



## فرضیه کثیف و غرض آلود؟؟

نوشته: بخت بیک میرزاده

۶ دسمبر ۲۰۲۰

باز نشر در سایت سیمای شغنان: ۲۳ فبروری ۲۰۲۱

چند مین بار است که وطندار مان ، آقای لطیف پدram نه تنها با بی مهری که با افتراحات و اتهامات سهمگین بد بینانه و بدور از واقعیت ؛ فرایند داعیه برحق پامیریان را اخلال و سد می شود.



افسانه اوپراتیفی تراویده از مغزها ومراکز تبلیغاتی استخباراتی ، مبنی بر ایجاد “دولت جدید در حوزه ی پامیر” بدور از واقعیت و بجزاز یک آرایش تبلیغاتی سیاه ، خاکستری ؛ هیچ مبنای منطقی و عقلانی ندارد. زیرا دولتی که آقای پدram در چندین کلب با نظریه پردازیها از آگاهی مبنی بر تشکیل و اداره آن انگشت میگذارد، گویا از نیت سران کشورهای هند و

اسرائیل در تبنانی با امریکا و انگلیس پرده داشته و از خطر تشکیل این کشور فرضی در حوزه پامیر، بمثابه "اسرائیل دوم" ، به مسلمانان هشدار میدهد.

بی نیاز از اثبات است که این دیگر یک افتزای شنیع نه بر اساس عدم آگاهی، بل یک تفکر خصمانه و کنش بدور از اخلاق و انصاف است که در جنگ منافع قدرت ها که آقای پدram از موقف یک شخص مدیون ، دارد تلاش میوزرد تا در یک معامله بده بستان سیاسی - اقتصادی ، با هیکل تراشی و قرینه بافی ، تهدید خیالی ایجاد دولت جدید درحوزه پامیر را بمثابه اسرائیل صیهونست بحیث یک مرکز جدید خطر؟! ؛ نشانی نموده ، میخواهد جمعیت اضافه از نیم ملیونی اسماعیلیه افغانستان و خاصتن اسماعیلیان بدخشان را قربانی تطبیق یک برنامه تبلیغاتی آلوده به اتهام نمایند.

حوزه پامیر که به حیث جغرافیای این کشور فرضی در نقشه تبلیغاتی این پروژه کثیف و غرض آلود ، مشخص گردیده ، بخشی از اراضی ، ابر قدرتی مانند جمهوری خلق چین ، علاقجات چترال و گلگت و هنزا مربوط کشوردارای قدرت اتمی پاکستان ، مناطق ولسوالیهای اسماعیلیه نشین بدخشان افغانستان و مناطق پامیرات ولایت خود مختار بدخشان کوهی مربوط تاجکستان که درحال حاضر نیزتوسط نیروهای نظامی ابر قدرت روسیه شدیدن محافظت میشود؛ را احتوا میکند.

حال خوانندگان گرانقدر بدون حب و بغض ، فکر و قضاوت کنند که ایجاد چنین کشوری آنقدر آسان و آیا یک امر دارای پایه عقلانی و عملی است که بدون هیچگونه پیش زمینه و مشاهده نشانه هایی از وجود فعالیت جنبش های آزادی خواهانه و یا جدایی طلبانه و علاقمند ایجاد یک چنین " دولتی شبیه اسرائیل " درحوزه پامیر، یعنی در "دهان شیر و کام ازدر" کشف و مانند سمارق سبز شده ، شکل بگیرد و به پا استاده شود!! ؟

اگر این یک پروژه تبلیغاتی استخباراتی نیست پس منطق عملی آن در چی و در کجاست؟؟ مگر چین و پاکستان تاجکستان، روسیه ، افغانستان و اعضای پیمان شانگهای همه در خواب و حاضرند تا داو طلبانه ساحاتی از اراضی قلمروهای مربوط شانرا به هندوستان و اسرائیل هدیه دهند تا کشوری مانند "لحاف ترک دوزی" شده در مناطق اسماعیلیه نشین درحوزه ی پامیر بسازند.؟؟ به کدام منطق ، چه ضرورت و به کدام قیمت؟؟؟

آیا صورتلاش تشکیل چنین کشوری به بهای کمتر از آغاز جنگ سوم جهانی چیزی دیگر بوده میتواند؟

مگر به جز از آقای پدram ، آیا استخبارات روسیه وچین و پاکستان و افغانستان هم از این کشف و اختراع اطلاعی دارند که همه خاموشی اختیار کرده اند ؟

اگر این مسله تا حد نشر کتاب در مورد آن که ادیتش به آقای پدرام اعتماد شده ، افشا و از درجه ی محرمیت استخباراتی و نظامی خارج شده باشد، پس برای کشور های متذکره که برای قلمرو شان تهدید جدی به شمار میرود یک کابوس نه، که بیشتر بمثابة ی یک داستان کمیدی ارزشی ندارد و گر نه آیا ممکن بود که این کشور ها تا امروز نیز دست روی دست گذاشته ؛ خاموشی و یا سکوت اختیار کنند؟!

و اما از یک پهلوی دیگر به قضیه نگاه بیاندازیم:

❖ آیا در برنامه های کار و فعالیت تحت رهبری پیشوای اسماعیلیان جهان شهزاده کریم آقاخان ، بغیر از پروژه های عام المنفعه و ارایه کمک به مردمان کشور های فقیر در حال و یا بعد از جنگ ؛ غیر از تحقق پروگرام های کاهش فقر آموزش و ارتقای معارف ، ارایه خدمات صحی و احیای ارزشهای تاریخی ، فرهنگی مربوط به تمدن اسلامی در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی ، کدام مثالی از دخالتگری در سیاست کشورها و یا امور نظامی ، مگر اینکه در جهت صلح و آشتی ؛ (در تاجکستان) چیز دیگری وجود دارد که فرضیه فعلی ایجاد دولت پامیر ؛ آقای پدرام راصحه بگذارد؟

❖ نشانه ها ؛ مدارک و یا حد اقل آوازه ی در میان مردمان مناطق اسماعیلیه نشین بدخشان که انگار این به اصطلاح دولت در حوزه سکونت شان ، تشکیل میگردد ؛ نیز وجود ندارد که حد اقل شک مبنی بر درستی این افسانه را در افکار این مردم و یا لاقبل همسایگان و برادران بدخشانی شان القاء و صحه بگذارد . پس انگیزه اصلی اینگونه تبلیغات مکرر آقای پدرام در این زمینه چه دلایل و مقاصد را دنبال میکند؟

❖ واقعیت اینست که با تغییرپالیسی امریکا در قبال طالبان با تشدید جنگها و احتمالات برگشت آنان به قدرت در افغانستان ، بیشتر به حقانیت پاکستان در قضایای اطراف افغانستان تاکید نموده و با تظاهر به مسلمان نمایی ، کرنش و توصیف از طالبان با خاک زدن به چشمان مردم ، دست به طرح پروژه های تبلیغاتی دارای ابعاد گوناگون در جهت کسب مصونیت بیشتر برای آینده خود گردیده ؛ و تا سرحد داد و واویلا از نگرانی تشکیل دولت مشابه اسرائیل و خطرات احتمالی آن برای مسلمانان آسیای میانه و... مسولیت و نگرانیها از آینده دنیای اسلام را عوام فریبانه فریاد میزند!!

❖ کوبیدن مودی صدراعظم هند با تظاهر به دفاع از مسلمانان و گره زدن آن با اسرائیل در ایجاد "دولت مشابه اسرائیل در پامیر" ؛ مصداق روشن این مدعا ست.

پر واضح است که این ادعا جز از یک پروژه طرح شده بر بنیاد تئوری توطیه ، حد اقل رابطه یی با واقعیت ندارد.

اما یکی دیگر از دلایل این تبلیغات انجام پروفلکتیت استخباراتی مردمان حوزه پامیر بخاطر خموش نمودن صدای آنان در ابراز هویت های قومی و جغرافیایی شان بر بنیاد ارزشهای قانون اساسی کشورمبنی حفظ حقوق اقلیت های قومی و اصل برابری حقوق شهروندی شان است که مواجه با چنین برخورد بی رحمانه دروغین می شوند. تلاش برای ایجاد دو دلی و تزلزل در میان مردمان پامیر جهت دادخواهی؛ به سرکوب هویتی و جلوگیری از تشکیل ولایت جدید در حوزه پامیر نیز رابطه مستقیم داشته که این نه کدام بدعت و نه هم به هیچ صورت معادل و شبیه تشکیل دولت اسرائیل در حوزه پامیر بوده میتواند زیرا:

❖ اهالی ولسوالیهای سرحدی ولایت بدخشان ؛ بنا بر مشکلات جغرافیای صعب العبورو دشواریهای ناشی از بندش دوامدار راهها و رسیدن شان به مرکز ولایت و محرومیت از نیاز های انکشاف و دریافت خدمات در تمامی عرصه های حیات روز مره و محرومیت از جایگاه مشارکت در قدرت دولتی در ولایت مربوط شان بدخشان ، داعیه تشکیل ولایتی را در حوزه پامیر مطرح نمودند . چون نیاز مندی اهالی این ولسوالیها برای تامین سهولت دریافت خدمات مانند معاشات که کمیت بزرگ نفوس این مردم را معلمین و مامورین دولتی و موسسات غیر دولتی تشکیل میدهد و در طول یک سال در بهترین حالت فقط یک یا دو بار مزد و مزایای شان ، آنها توسط چرخبال های نظامی که اجساد فرزندان شهید شان را از جبهات جنگ انتقال میدهد ، دریافت میکنند و مضاعف بر آن انبوهی از نارسایی های دیگر عدم دسترسی به خدمات بانکی و مشکلات فرزندان شان جهت شرکت در امتحان کانکور و انتقال مریضان شان به درمانگاه ها مرکز و ولایت و بیرون آن و غیره ؛ مسله تشکیل ولایت را بحیث راه حل نسبی مشکلات و کسب مشارکت شان مانند سایر اقلیت های قومی در حاکمیت ، از سه دهه بدینسو در رژیم های مختلف مطرح و داد خواهی نموده اند.

❖ تذکر باید داد که سرانجام در سال گذشته از جانب ریاست جمهور اسلامی افغانستان برنامه تشکیل چند ولایت جدید مانند جاغوری، شیندند، شینوار و پامیر مطرح و از طریق رسانه ها اعلام گردید و اما در سپسده دم فردایش صدای مخالفت آقای پدرام با اتهامات بی اساس علیه طرح عملی شدن ولایت پامیر بلند شد که در آن وقت هنوز فرضیه تشکیل به سطح دولت در پامیر ؛ سکچ نشده بود بلکه بنام (هویت تراشی و توطیه علیه وحدت تاجکها) توجیه و تبلیغ گردید و بعد به سلسله ی آن حالا

سخن تا سرحد تشکیل دولت در پامیر امتداد یافته است . بگذاریم به قضاوت مردم که با استماع متون اظهارات بی پایه و خصمانه و موضع گیری عملی و چشم انداز واقعی مبارزه آزادیخواهانه آقای لطیف پدرام در برابر داد خواهی و حمایت از منافع اقلیت های قومی و مذهبی و چه بسا که هم دیارانش در ولسوالیهای سرحدی بدخشان که یک دوران طولانی ستم های بیکران و چندین بعدی را در افغانستان تجربه و تحمل نموده اند.

❖ اما نباید فراموش شود که هیچ شخص و یا گروه متعصب نمی تواند با هیچ گونه طرفند و یا تهدید مردمان باشرف و بامدنیّت اسماعیلی بدخشان را، در فرایند بر آورده شدن داعیه و حقوق برحق شان متوقف سازند و یا با پیوند زدن محیلانه به قدرت های بیگانه در محراق تنفر و خطر قرار داده و از این آب گل آلود ماهی بگیرند.

❖ اقلیت های بومی اقوام حوزه پامیر از شغنی ، اشکاشمی ، واخی ، زیبایی و منجی و غیره هر کدام شان براساس مؤلفه های هویت قومی ، نام و هویت مستقل خود را داشته و اهالی واحد های اداری مربوط شان صلاحیت و حق ابراز نظر پیرامون نام و هویت و تصمیم گیری برای حل مشکلات خویش را مطابق به قانون اساسی کشور دارند.

❖ هیچ کسی حق ندارد و نمی تواند که به جبر و اکراه بر آنان نام اقوام تاجک و یا پشتون و ازبیک وووو را بگذارد و یا تحمیل کند . گروه های قومی حوزه پامیر بنا بر تمایزات زبانی ، مذهبی ، رسوم و عنعنات ، آداب و اخلاق و سایر مؤلفه های قومی را که ایشان را از سایر اقوام کشور متمایز میسازد، دارای هویت جداگانه خود شان بوده و وجود مردمان دارای هویت های مختلف را در جغرافیای کشور ، زیبایی و قوت پنداشته و در کنار برادران فارسی زبان ، تاجکها و ازبیک ها در ولایت بدخشان و بخیث عضو مفید و جدایی ناپذیر از بدنه خانواده اقوام کشور چون هزاره ، پشتون ، ایماق ، نورستانی ووو، خواستار زندگی با حقوق مساوی و برادر وار در فضای صلح و آرامش میباشند . سالهاست که صدها و هزارن فرزند و کادرهای آموزش دیده ملکی و نظامی مردمان صلح جو و بی زار از جنگ و جنایت در نقاط مختلف کشور عزیز ما افغانستان خدمت نموده و با باورمندی قوی بروفق مطالبات و ارزشهای قانون اساسی کشور ، مشارکت واقعی اقوام در حاکمیت و تامین و تحکیم وحدت ملی کار و پیکار مینمایند.

اقوام ساکن حوزه پامیر و اسماعیلیان نه ظالمند تا بر دیگران ستم روا دارند و نه دیگر مظلومند که زیر تهدید تبعیض و ستم دیگران خورد و ساکت شوند. هر چند که کمیت شان ملیونی نیست اما کیفیت شان عظیم ، افکارشان روشن ، داعیه شان برحق و انکار نا پذیر است.